

# ضرورت بازنگری در ساختار اقتصادی

انقلاب اسلامی نهمین سال تولد خود را در شرایطی پشت سر می‌گذارد که حتی به اعتقاد دشمنان انقلاب، جریان تاریخ سیاسی - اجتماعی بشر، تحت تأثیر آن فرار گرفته و سرآغاز تحولی نوین در زندگی انسانهای محروم جهان گشته است. ارزیابی ابعاد مختلف انقلاب اسلامی که در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به ثمر نشست، بسیار مشکل می‌باشد؛ زیرا ارتقاء فرهنگ جامعه بشری، آگاهی ملت‌های مظلوم و تحت ستم، نمایان شدن شکست‌های نظام بوسیده استکبار و چهره پلید و ضد بشریت حاکمان سیاسی جهان، شکسته شدن اُبّهت زورمندان تاریخ و در کلامی دیگر، آشکار شدن هدف خلقت بشریت و بازگشت به خویشتن خویش و بسیاری دیگر از ارزشهای والای انسانی و اسلامی را که با به ثمر رسیدن این انقلاب رشد نمود، هرگز نمی‌توان در صفحه بیرنگ کاغذ به تصویر کشید.

اما انقلاب اسلامی در داخل مرزهای کشور اسلامی نیز اثرات تعیین کننده و نمایانی در ابعاد مختلف برجای گذاشته است که بررسی تمام آن، از عهده این مختصر خارج است، ولی به لحاظ مناسبت خاصی که وجود دارد سعی شده است تصویری از روند بعضی مسائل اجتماعی - اقتصادی کشورمان را حداقل در ده سال گذشته عرضه بداریم که تحلیل آنرا عمدتاً بعهده خواننده گذاشته و کوشش می‌گردد، نمودهای کلی شاخص‌های اشاره شده را بیان نمایم. در مجموع از چند دیدگاه مسائل اقتصادی و اجتماعی، مورد نظر قرار گرفته شده است که بعضاً برنامه‌ریزی‌ها و تخصیص‌های پس از انقلاب اسلامی در روند آنها مؤثر بوده است و ریشه تعدادی از مسائل مطروحه و شاخص‌های ارائه شده را بایستی در برنامه‌های قبل از انقلاب جستجو نمود، که بدون بیان اولویت‌ها، این موارد بشرح زیر ذکر می‌گردد:

## ۱- درآمد ملی و درآمد دولت

درآمد ملی کشور به قیمت ثابت در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۳۵۴۹/۸ میلیارد ریال بوده و در سال ۱۳۶۳ به رقم ۳۴۸۹/۳ میلیارد ریال رسیده است. درآمد سرانه به قیمت ثابت نیز در سال ۱۳۵۵ مبلغ ۱۰۵ هزار ریال و در سال ۱۳۶۳ رقم ۸۰/۳ هزار ریال بوده که به علت کاهش تولید و افزایش جمعیت سیر نزولی داشته است. همچنین در سال ۱۳۵۵، ۷۶/۲ درصد از کل درآمدهای دولت از طریق درآمدهای ناشی از فروش نفت و ۱۹/۶ درصد از طریق مالیات‌ها تأمین می‌شده است که در سال ۱۳۶۳، درصد تأمین درآمد دولت از طریق فروش نفت به ۵۰/۳ درصد (در سال ۱۳۶۴-۴۴/۸ درصد) و نسبت درآمد مالیاتی به کل درآمدهای دولت به ۳۲/۵ درصد (در سال ۱۳۶۴-۳۸/۴ درصد) رسیده است. (جدول شماره ۱)

## ۲- بودجه و نقدینگی

کسری بودجه دولت به کل پرداختها در سال ۱۳۵۰ حدود ۱۸/۲ درصد و در سال ۱۳۵۵ به ۸/۸ درصد و در سال ۱۳۶۳ به ۲۱/۴ درصد رسیده است (در سال ۱۳۶۴-۱۸/۵ درصد).

نقدینگی بخش خصوصی در سال ۱۳۵۷ بالغ بر ۲۵۷۸/۶ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۳۶۳ به ۷۹۶۶/۹ میلیارد ریال افزایش یافته است. همچنین شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری در سال ۱۳۵۷ به ۱۷۶/۲ براساس سال پایه (۱۳۵۳=۱۰۰) و در سال ۱۳۶۱ به ۳۵۵/۲ افزایش یافته است. (جدول شماره ۱)

## ۳- اعتبارات بانکی

پس از ملی شدن بانکها توزیع مالکیت سهام بانکها و شرکتهای سرمایه‌گذاری ملی شده بدینصورت است

که مالکیت ۱۰/۹ درصد آنها سهم مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، ۲۵/۱ درصد سهام متعلق به خود بانکها و ۱۵/۳ درصد مصادره و مالکیت ۴۰ درصد سهام برای اشخاص می‌باشد.

دقت نظر در ترکیب اعتبارات بانکها به بخشهای مختلف اقتصادی کشور؛ در مقایسه با سالهای قبل بیانگر گرایش سیستم بانکی به رشد بخشهای خاص اقتصادی می‌باشد؛ بطوریکه در سال ۱۳۵۷، ۲۱/۳ درصد اعتبارات مجموعه بانکها به بازرگانی داخلی و ۱۰/۲ درصد به بازرگانی خارجی تخصیص داده شده بود که در سال ۱۳۶۱، نسبت سهم بازرگانی داخلی از مجموعه اعتبارات به ۱۱/۷ درصد و بازرگانی خارجی به ۵/۲ درصد کاهش یافته‌اند. البته این گرایش به علت شرایط خاص اقتصادی در بانکهای تجاری کمتر محسوس می‌باشد، زیرا در سال ۱۳۵۷ سهم اعتبارات بخش بازرگانی خارجی از کل اعتبارات ۳۰ درصد و بازرگانی داخلی ۱۴/۴ درصد بوده است که در سال ۱۳۶۱ نسبتهای فوق به ترتیب به ۱۷/۴ درصد و ۷/۷ درصد کاهش یافته‌اند و همچنین سهم اعتبارات بخش ساختمان از ۱۱/۳ درصد از مجموعه اعتبارات اعطائی بانکهای تجاری در سال ۱۳۵۲، به ۲۱ درصد در سال ۱۳۵۷ و ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۶۱، افزایش یافته است، که بیانگر تمایل سیستم اعتباری کشور به رشد بخش ساختمان می‌باشد.

## ۴- آموزش

تعداد افراد باسواد کشور در سرشماری سال ۱۳۳۵، ۱۴/۹ درصد و در سرشماری سال ۱۳۴۵، ۲۹/۴ درصد و در سرشماری سال ۱۳۵۵، ۴۷/۵ درصد بوده است که در سرشماری سال ۱۳۶۵ به ۶۲ درصد رسیده است و میزان آن در جامعه شهری بصورت ۳۳/۳ درصد و ۶ درصد از جامعه روستائی در سال ۱۳۳۵ باسواد بوده و در سرشماری سال ۱۳۶۵ نسبت ۷۳/۲ درصد شهروندان

۵- بخش کشاورزی

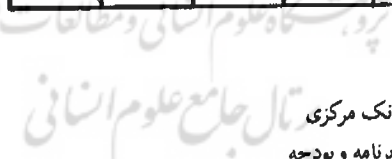
بررسی سطح زیرکشت برخی از محصولات عمده زراعی نشان می‌دهد که سطح زیرکشت گندم از ۵۴۴۱ هزار هکتار، جواز ۱۱۷۷ هکتار، برنج از ۳۸۶ هزار هکتار و سیب زمینی از ۵۷ هزار هکتار در سال ۱۳۵۷ به ترتیب به ۶۱۹۲، ۱۸۴۱، ۴۸۳ و ۱۱۶ هزار هکتار در سال ۱۳۶۱، افزایش یافته است. آمارها همچنین حاکی از افزایش تولید این محصولات نیز می‌باشد؛ بطوریکه در سال ۱۳۶۱، برآورد تولید گندم ۶۶۶۰، جو ۱۹۰۳، برنج ۱۶۰۵ و سیب زمینی ۱۸۱۴ هزار تن بوده است از طرف دیگر افزایش تولید در واحد سطح نیز بدلیل ارائه خدمات آموزشی و افزایش بهره‌برداری از ماشین‌آلات کشاورزی، کود و سموم دفع آفات نیز در آمارها مشاهده می‌گردد. در یک بررسی از ساختار اقتصاد کشاورزی کشور، لزوماً پارامترهای خاصی که بستر فعالیتهای تولیدی را میسر می‌سازد مورد توجه قرار می‌گیرد که متأسفانه علیرغم اینکه باید کشاورزی محور توسعه اقتصادی باشد، آمارها این واقعیت را بشکل ضعیفی نشان می‌دهند. در مقایسه متغیرهای سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده، بهره‌وری بخش کشاورزی با سایر بخشها، نقطه ضعف این سیاست‌گذاریها نمایان می‌شود. به عبارت دیگر روند سرمایه‌گذاری در این بخش چنانچه مسیر گذشته را در پیش گیرد، هرگز قادر به تأمین اهداف استقلال طلبانه انقلاب نخواهد بود؛ بعنوان مثال: نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به تولید ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۳۳۸، حدود ۴۰ درصد در سال بوده که در سال ۱۳۶۳ به ۱۵ درصد کاهش یافته است. این رکود و کاهش سهم کشاورزی در G.N.P. را می‌توان در روند کاهش نسبت سرمایه‌گذاری در کشاورزی به کل سرمایه‌گذاریها در سال ۱۳۵۵، حدود ۴/۹ درصد مشاهده نمود که در سال ۱۳۵۵، حدود ۷/۲ درصد سرمایه‌گذاریها و در سال ۱۳۶۲ نیز تنها ۷/۲ درصد سرمایه‌گذاریها به این بخش اختصاص داده شده است و این سیاست در شرایطی به اجرا درآمده است که نسبت جمعیت شاغل در این بخش به کل جمعیت شاغل کشور در سال ۱۳۵۵ و در سال ۱۳۶۳ حدود ۳۳ درصد بوده است. (جدول شماره ۱)

ردیف	شرح	سال			
		۱۳۶۳	۱۳۶۰	۱۳۵۷	۱۳۵۵
۱	درآمد ملی (قیمت ثابت)	۳۴۸۹/۳	۲۷۵۲/۱	۳۰۱۱/۵	۳۵۴۹/۸
۲	درآمد سرانه (قیمت ثابت)	۸۰/۳	۶۹/۶	۸۴/۵	۱۰۵
۳	نسبت درآمد نفت به کل درآمد دولت	۵۰/۳	۵۷/۹	۵۹	۷۶/۲
۴	نسبت درآمد مالیاتی به کل درآمد دولت	۳۲/۵	۳۰/۴	۲۷/۴	۱۹/۶
۵	نسبت کسری بودجه دولت به کل پرداختها	۲۱/۴	۳۷	۲۳	۸/۸
۶	نقدینگی بخش خصوصی	۷۹۶۶/۹	۵۱۱۱/۷	۲۵۷۸/۶	-
۷	نسبت سرمایه‌گذاری در کشاورزی به کل سرمایه‌گذاریها	۷/۲	۶/۲	۴	۴/۹
۸	نسبت سرمایه‌گذاری در صنایع و معادن به کل سرمایه‌گذاریها	۴۹/۸	۴۹/۹	۴۹/۴	۴۹/۶
۹	نسبت سرمایه‌گذاری در خدمات به کل سرمایه‌گذاریها	۳۹/۱	۳۸/۴	۳۶/۵	۲۹/۱
۱۰	نسبت جمعیت شاغل در کشاورزی به کل جمعیت	۰/۳۳	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۳
۱۱	نسبت جمعیت شاغل در صنعت به کل جمعیت	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۳۴
۱۲	نسبت جمعیت شاغل در خدمات به کل جمعیت	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۱
۱۳	نسبت ارزش افزوده کشاورزی به G.N.P.	۱۲/۵	۱۵/۳	۱۰/۷	۸/۹
۱۴	نسبت ارزش افزوده صنایع و معادن G.N.P.	۲۰	۲۰/۲	۱۶/۹	۱۶/۴
۱۵	نسبت ارزش افزوده خدمات به G.N.P.	۵۴/۷	۵۶/۹	۴۹/۶	۴۱/۴
۱۶	بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی	۷۵۷	۵۱۴	۱۸۹	۱۳۲
۱۷	بهره‌وری نیروی کار در بخش صنایع و معادن	۸۲۳	۴۸۶	۳۵۰	۲۸۳
۱۸	بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات	۲۳۵۳	۱۵۶۶	۹۶۰	۶۸۱

را می‌توان در روند کاهش نسبت سرمایه‌گذاری در کشاورزی به کل سرمایه‌گذاریها در سالهای گذشته مشاهده نمود که در سال ۱۳۵۵، حدود ۴/۹ درصد سرمایه‌گذاریها و در سال ۱۳۶۲ نیز تنها ۷/۲ درصد سرمایه‌گذاریها به این بخش اختصاص داده شده است و این سیاست در شرایطی به اجرا درآمده است که نسبت جمعیت شاغل در این بخش به کل جمعیت شاغل کشور در سال ۱۳۵۵ و در سال ۱۳۶۳ حدود ۳۳ درصد بوده است. (جدول شماره ۱)

بهره‌وری نیروی کار یعنی نسبت ارزش افزوده به جمعیت شاغل در بخش کشاورزی از ۱۳۲ هزار ریال در سال ۱۳۵۵ به ۷۵۷ هزار ریال در سال ۱۳۶۳ افزایش یافته است که در مقایسه با بهره‌وری نیروی کار در بخش صنعت و خدمات از رشد کمتری برخوردار بوده است. (جدول شماره ۱)

متوسط درآمد سالانه مشاغل کشاورزی ۷ در سال



— ردیف ۱- سالنامه آماری — مرکز آمار ایران  
 — ردیف ۶- گزارش اقتصادی و ترانزانه سالهای مختلف — بانک مرکزی  
 — مجموعه اطلاعاتی شاخصهای اقتصادی شماره ۲- وزارت برنامه و بودجه

روستائی در سال تحصیلی (۵۹-۶۰) در مناطق روستائی ۳۱۱۴۶۷۹ نفر و در سال (۶۵-۶۴) به ۴۳۷۰۷۱۸ نفر و به ترتیب تعداد آموزشگاهها از ۳۸۸۵۰ واحد به ۵۰۴۴۰ واحد افزایش داشته است و تعداد دانشجویان در سال تحصیلی (۵۴-۵۳) از ۱۳۵۳۵۴ نفر به ۱۵۱۴۹۵ نفر در سال تحصیلی ۶۴-۶۵ بالغ گردیده است. کیفیت توزیع دانشجویان در رشته‌های مختلف تحصیلی در سالهای مورد اشاره، سیاست‌گذاری مطلوب را در امر آموزش عالی نشان می‌دهد. در ضمن باید به ارقام فوق، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی را نیز اضافه نمود.

۴۸/۴ درصد جامعه روستائی نیز باسواد بوده‌اند. همچنین تعداد دانش‌آموزان و آموزشگاههای کشور با تفکیک مناطق شهری و روستائی بدین شرح بوده است:

در سال تحصیلی ۵۹-۶۰ برای تعداد ۴۷۷۲۹۴ نفر دانش‌آموز در مناطق شهری تعداد ۱۴۶۶۷ واحد آموزشگاه وجود داشته است که در سال تحصیلی ۶۴-۶۵ رقم دانش‌آموزان مناطق شهری ۶۱۹۰۶۱۰ نفر و تعداد آموزشگاهها به ۱۹۵۸۵ واحد رسیده است. همچنین تعداد دانش‌آموزان

۱۳۵۷، ۶۲ هزارریال بوده و در سال ۱۳۶۴ به ۱۹۸/۶ هزارریال افزایش یافته است. صادرات و واردات برخی محصولات عمده کشاورزی نیز در بخش بازرگانی اشاره شده است.

### ۶- صنایع و معادن

نسبت ارزش افزوده این بخش به تولید ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۳۵۵، در حدود ۱۶/۴ درصد بوده است که در سال ۱۳۶۳ این نسبت به ۲۰ درصد افزایش یافته است. این افزایش را شاید بتوان مدیون سرمایه گذارهایی دانست که در طول سالهای گذشته در این بخش صورت پذیرفته است؛ بطوریکه در سال ۱۳۵۵، ۴۹/۶ درصد سرمایه گذارهای کل کشور به بخش صنایع و معادن اختصاص داشته و در سال ۱۳۶۳ نیز ۴۹/۸ درصد را به خود اختصاص داده است. این میزان سرمایه گذاری در شرایطی صورت گرفته است که در سال ۱۳۴۰ نسبت جمعیت شاغل در این بخش به کل جمعیت شاغل ۰/۲۳ و در سال ۱۳۶۴، در حدود ۰/۳۰ بوده است و در نتیجه توجه به این بخش سبب شده است که متوسط مزد و حقوق پرداختی به مزد و حقوق بگیران کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۵۸، ۶۰۱/۵ هزارریال و در سال ۱۳۶۲ به رقم ۹۴۶/۱ هزارریال بالغ گردد. تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی<sup>۲</sup> نیز از ۳۷۸۸ مورد در سال ۱۳۵۰ به ۶۵۹۶ مورد در سال ۱۳۶۳ رسیده است که متأسفانه بعلم گوناگون از جمله وابستگی به مراکز صنعتی خارج از مرزها و نیاز شدید به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و تکنولوژی، علیرغم سهم عمده سرمایه گذاری تا کنون موفقیت چندانی را در سالم سازی ساختار صنعتی کشور نداشته است. البته این نتیجه گیری را بطور مطلق صحیح نمی‌دانیم، اما در مقایسه با سیاست گذاری صنایع نظامی که خصوصیات بارزی بر آن حاکم است، واقعیت امر این است که موفقیت چندانی کسب نکرده‌ایم.

### ۷- خدمات

نسبت جمعیت شاغل در خدمات به کل جمعیت کشور در سال ۱۳۴۰، ۲۵ درصد و در سال ۱۳۶۴ به ۳۶ درصد رسیده است. نسبت ارزش افزوده این بخش نیز به تولید ناخالص داخلی بدون نفت (قیمت ثابت) در سال ۱۳۵۵ به ۶۶/۶ درصد و نسبت به G.N.P به ۴۱/۴ درصد بوده که در سال ۱۳۶۳ به ترتیب به ۶۳ درصد و ۵۴/۷ تغییر نموده است. سهم عمده این بخش در G.N.P را هم چنین می‌توان ناشی از نسبت سرمایه گذاری انجام شده در آن نیز دانست. بطوریکه ۲۹/۱ درصد سرمایه گذارها از کل سرمایه گذارها

در سال ۱۳۵۵ به این بخش تخصیص داده شده است و در سال ۱۳۶۳ این میزان به رقم ۳۹/۱ درصد افزایش یافته است. همین مسئله نیز سبب شده است که بهره‌وری نیروی کار در سال ۱۳۵۵، در بخش خدمات، به رقم ۶۸۱/۸ هزارریال ببالغ گردد که این رقم در سال ۱۳۶۳ به ۲۳۵۳/۴ هزارریال افزایش یافته است.

مقایسه این ارقام با بهره‌وری نیروی کار در بخش صنایع و معادن که در سال ۱۳۵۵، ۲۸۳/۳ هزارریال و در سال ۱۳۶۳ - ۸۲۳/۶ هزارریال بوده است تفاوت بسیار زیادی را نمایان می‌سازد. (جدول شماره ۱) البته نمی‌توان میزان بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات را غیر معقول دانست. متأسفانه روند سرمایه گذاری در این بخش به علل مختلف تغییری نکرده است و همین امر نیز به نوبه خود در افزایش

جدول شماره ۲- بازرگانی خارجی - شاخص قیمتها - اعتبارات عمرانی (۶۳-۱۳۵۵)

ردیف	شرح	واحد	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۶۰	۱۳۶۳
۱	میزان واردات	میلیون تن	۱۳/۸۳	۱۷/۱۴	۱۳/۹۵	۱۶/۲
	مقدار واردات	میلیارد ریال	۹۰۱/۷۶	۱۰۳۴/۲	۱۰۸۱/۹	۱۳۳۲/۷
	میزان صادرات غیرنفتی	میلیون تن	۰/۷۹	۱/۱۴	۰/۱۵	۰/۲۷
	مقدار صادرات غیرنفتی	میلیارد ریال	۳۸	۴۴/۰۵	۲۷/۰۳	۳۳/۰۴
۲	شاخص‌های عمده فروشی		۱۱۹/۵	۱۳۶/۹	۲۷۹/۷	۱(۳۵۸)
	شاخص‌های کالاهای تولید و مصرف شده در کشور		۱۲۳	۱۴۲/۲	۳۰۷/۱	۱(۴۰۰)
	شاخص‌های کالاهای صادراتی		۱۱۰/۷	۱۲۴/۱	۲۱۱/۹	۲(۲۵۴/۴)
	شاخص‌های کالاهای وارداتی		۱۲۵/۲	۱۴۰/۵	۲۷۸/۱	۱(۳۵۴/۱)
۳	تعداد شرکت‌های تعاونی روستایی		۲۸۸۶	۲۹۲۵	۳۰۳۲	۳۱۰۴
	تعداد شرکت‌های تعاونی شهری غیر کارگری		۱۱۴۳	۱۲۹۸	۴۱۱۷	۸۶۳۲
	تعداد شرکت‌های تعاونی شهری کارگری		۱۵۲۵	۱۶۱۲	۲۳۷۶	۴۴۵۴
	تعداد پزشک	هزار نفر	۱۳/۴	۱۴/۳	۱(۱۴/۷)	۱(۱۵/۹)
	تعداد دندانپزشک	هزار نفر	۱/۹	۲/۱	۱(۲/۳)	۱(۲/۳)
	تخت بیمارستان	هزار تخت	۴۹/۹	۵۵/۲	۲(۵۷/۹)	۲(۵/۵)
	تخصیص بودجه عمرانی در زمینه بهداشت	میلیون ریال	۶۰۶۵	۸۲۴۷	۲۶۳۳۳	۳۵۰۶۳
۵	عمران شهرها (تخصیص اعتبارات)	میلیون ریال	۱۳۴۲۷	۲۴۴۲۲	۲۱۷۵۹	۸۸۴۳
	عمران و نوسازی روستاها (تخصیص اعتبارات)	میلیون ریال	۴۹۶۶	۶۰۴۲	۴۱۷۷	۴۹۹۷

۱ آمار مربوط به سال ۶۲ است

۲ آمار مربوط به سال ۵۹ است

۳ آمار مربوط به سال ۶۱ است

مأخذ: بررسی تحولات اقتصادی کشور - ترازنامه - مجموعه اطلاعات شاخصهای اقتصادی - سالنامه

آمار

## ۹- بازرگانی خارجی

در بررسی بازرگانی خارجی ایران همواره شاهد عدم موازنه تجاری در طول زمان هستیم. واردات کشورمان هر ساله در حال افزایش است بطوریکه از ۴/۸۳ میلیون تن به ارزش ۱۵۷/۶۶ میلیارد ریال در ۱۳۵۰، به ۱۷/۱۴ میلیون تن معادل ۱۰۳۴/۲ میلیارد ریال در سال ۵۶ رسیده که از دلایل عمده آن، افزایش درآمد ارزی کشور در نتیجه صدور نفت می‌باشد. در سالهای پس از انقلاب نیز این روند کماکان ادامه داشته مگر در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، زیرا در این دو سال بدلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه، قطع رابطه با بعضی کشورهای استکباری و همچنین وقوع جنگ تحمیلی و محدودیت ارزی، واردات کاهش پیدا کرد؛ ولی در مابقی سالها در اثر تداوم الگوی مصرف و عدم تغییر ساختار اقتصادی روند افزایش واردات را شاهد هستیم بطوریکه رقم واردات از ۱۲/۴۴ میلیون تن معادل ۷۳۲/۲۹ میلیارد ریال در سال ۱۱۵۷، به ۱۶/۲ میلیون تن (۱۵۸۳ میلیارد ریال) در سال ۱۳۶۳ بالغ گشته است. (جدول شماره ۲)

از خصایص عمده واردات ایران نوعاً مصرفی بودن کالاهاست. در طی دوره زمانی ۶۳-۱۳۵۰، کالاهای سرمایه‌ای هیچگاه بیش از ۳۱ درصد را به خود اختصاص ندهد و آنهم در سال ۱۳۵۰ می‌باشد و بعد از این سال بخصوص با افزایش درآمدهای نفتی سهم آن کاهش یافته بطوریکه ۲۹/۷ درصد از کل واردات در سال ۶۳ به کالاهای سرمایه‌ای اختصاص داشته است؛ مابقی واردات را با مستقیماً کالاهای مصرفی و یا مواد اولیه و قطعات واسطه که نقش به پایان رساندن مراحل آخر تولید را برای مصرف می‌کنند، تشکیل داده است.

در مقابل واردات، با صادرات غیرنفتی در بازرگانی خارجی روبرو هستیم (جدول شماره ۲). میزان صادرات غیرنفتی از لحاظ وزنی در دوره مورد بررسی بخصوص بعد از سالهای ۱۳۵۳ همزمان با افزایش درآمدهای نفتی سیر نزولی خود را هر چند با افت و خیزهایی، طی میکند. میزان صادرات از ۲/۱۵ میلیون تن به ارزش ۲۶/۲۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰، به ۰/۷۹ میلیون تن معادل ۳۸ میلیارد ریال در سال ۵۵ و به ۰/۱۵ میلیون تن به ارزش ۲۷/۰۳ میلیارد ریال در سال ۶۰ می‌رسد و بعد از این سال بدلیل توجه بیشتر به امر صادرات غیرنفتی در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی میزان آن افزایش

ردیف	کل کشور	سال	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱۳۶۵
۱	جمع کل (هزار نفر)		۲۸۳۱۷	۳۳۷۰۸	۴۹۷۶۵
	فعال (هزار نفر)		۸۱۳۰	۹۷۹۶	-
	شاغل (هزار نفر)		۷۲۴۳	۸۷۹۹	۱۱۱۰۳
	بیکار (هزار نفر)		۸۸۷	۹۹۷	-
۲	مناطق شهری				
	کل جمعیت (هزار نفر)		۱۱۸۳۳	۱۵۸۵۵	۲۶۹۵۳
	فعال (هزار نفر)		۲۹۳۵	۴۳۳۶	-
	شاغل (هزار نفر)		۲۷۶۸	۴۱۱۲	۵۹۶۸
۳	مناطق روستایی				
	کل جمعیت (هزار نفر)		۱۶۴۸۴	۱۷۸۵۴	۲۲۸۱۲
	فعال (هزار نفر)		۵۱۹۵	۵۴۶۰	-
	شاغل (هزار نفر)		۴۴۷۵	۴۶۸۶	۵۱۳۵
۴	بیکار (هزار نفر)		۷۲۰	۷۷۴	-
	نسبت جمعیت شهری به روستایی		%۵۸	%۵۲	%۴۵/۸
	نسبت جمعیت شاغل به فعال		%۹۶	%۸۹	%۸۰/۶

(۱) \* آمار مربوط به سال ۶۴ است.

مأخذ: سالنامه آماری کشور - مجموعه اطلاعاتی شاخصهای اقتصادی - (وزارت برنامه و بودجه) و احد آمار و برنامه ریزی جهاد سازندگی.

۱۳۵۷ افزایش یافته ولی بعد از انقلاب روند آن کاهش یافته و به ۴۸/۱ درصد در سال ۶۳ رسیده است، در مقابل سهم هزینه‌های غیر خوراک در کل هزینه خانوار روستایی از ۴۵/۱ درصد در سال ۵۳ به ۵۱/۹ درصد در سال ۶۱ بالغ گشته است. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که اکثر خانوارهای روستایی در طی دوره مزبور توانسته‌اند تخصیص مطلوبتری را از نظر ترکیب هزینه‌ها بدست آورند که تا حدودی نمایانگر بهبود وضعیت اقتصادی آنها می‌باشد. سهم هزینه‌های خوراک و دخانی در بودجه کل خانوار شهری به قیمت ثابت از ۳۹/۲ درصد در سال ۵۳ به ۳۵/۳ درصد در سال ۶۳ رسید و سهم هزینه‌های غیر خوراک نیز از ۶۰/۸ درصد در سال ۵۳ به ۶۴/۷ درصد در سال ۶۳ بالغ گشته است. در واقع در طول سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۳ تفاوت چندانی در تخصیص بودجه خوراک و غیر خوراک مشاهده نمی‌شود ولی مسئله کاملاً مشخص، ترکیب بهتر هزینه‌ها در طول زمان است چرا که همواره درصد کمتری را به خوراک اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب خانوار روستایی نیمی از بودجه و خانوار شهری ۱/۳ آن را صرف مواد غذایی می‌نمایند و بنابراین شهری‌ها می‌توانند با صرف درصد

ناشی از سیاستگذاری‌های غلط رژیم شاه در خصوص محصولات کشاورزی است؛ که از جمله آنها، سیاست قیمت گذاری را می‌توان نام برد که رابطه مبادلاتی را به ضرر تولیدات کشاورزی و در نهایت روستا تغییر داده است. در سالهای پس از انقلاب با بهبود رابطه مبادلاتی و ایجاد تسهیلات زیربنایی و پرداخت سوبسید به مواد ضروری کشت، درآمد جاری روستائیان افزایش یافته ولی علیرغم کوششهای انجام شده، نسبت درآمد شهری به روستایی در سال ۶۳ معادل ۱/۹۷ برابری می‌باشد.

با توجه به این نکته که تقریباً جمعیت روستایی حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، درآمد نیمی از جمعیت کشور (روستائیان) حدود نصف درآمد نیم دیگر جمعیت (شهری) می‌باشد. همین اختلاف درآمد بعنوان یک عامل اساسی در مهاجرت روستائیان به شهرها محسوب می‌شود.

با در نظر گرفتن اینکه مصرف تابع درآمد می‌باشد، چگونگی ترکیب مصارف خانوارها نماینده وضعیت رفاهی آنها می‌باشد. سهم هزینه‌های خوراک و دخانی در بودجه کل خانوار روستایی به قیمت ثابت از ۵۴/۹ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۵۵/۳ درصد در سال

یافته و به رقم ۰/۲۷ میلیون تن معادل ۳۳/۰۴ میلیارد ریال در سال ۶۳ بالغ می‌گردد. مهمترین اقلام صادرات غیرنفتی ایران را کالاهای سنتی و کشاورزی تشکیل می‌دهد بطوریکه همواره در طول سالهای ۶۳-۵۱، رقم بالای ۷۰٪ از صادرات کل را به خود اختصاص می‌دهد. در دوره قبل از انقلاب با تکیه بر درآمدهای نفتی و سیاستهای صنعتی شدن کشور، سهم صادرات محصولات کشاورزی کاهش یافته بود. ولی بعد از انقلاب با کاهش سهم صادرات کالاهای صنعتی، درصد صادرات محصولات کشاورزی بیش از گذشته شده است. صادرات کالاهای صنعتی هیچگاه بیش از ۳۰ درصد صادرات ما را برعهده نداشته و آنهم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. ۱۴ صادرات کالاهای کانی نیز همواره در حدود ۲ الی ۵ درصد را بخود اختصاص می‌دهد.

طرفهای تجاری ایران از جمله مسائل عمده‌ای است که در بازرگانی خارجی مطرح می‌گردد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای آلمان غربی، ژاپن، آمریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، هلند، سوئیس، بلژیک و شوروی عمده طرفهای تجاری ایران بوده‌اند. پس از انقلاب با قطع رابطه اقتصادی با آمریکا و کاهش مبادلات تجاری با برخی کشورها از جمله فرانسه، سوئیس و هلند، افزایش مبادله با کشورهای همجوار ترکیه، سوئد، برزیل، آرژانتین و بلژیک تغییراتی در ده کشور عمده و سهم هر کدام بوجود آورد. البته این نکته می‌بایست در نظر گرفته شود که چون اقتصاد ایران بر پایه فروش مواد خام بخصوص نفت و واردات کالاهای واسطه‌ای و مصرفی پایه‌گذاری گردیده، لذا فقط کشورهای سرمایه‌داری طرف تجاری عمده ما هستند. البته در سالهای اخیر کشورهای حوزه خلیج فارس، بازار خوبی برای صادرات میوه و تره‌بار کشور محسوب می‌شوند.

۱۰- جمعیت، نیروی فعال، اشتغال و بیکاری طی ۳۰ سال گذشته جمعیت کشور از ۱۸۹۵۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ تا ۴۹۷۶۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است؛ که میزان جمعیت شهری از ۵۹۵۴ هزار نفر در مقابل ۱۳۰۰۱ هزار نفر جمعیت روستایی به ۲۶۹۵۳ هزار نفر جمعیت شهری در مقابل ۲۲۸۱۲ هزار نفر جمعیت روستایی تغییر در محل اسکان داشته‌اند. به عبارت دیگر نسبت جمعیت رو - ایی به شهری از ۰/۶۵ در سال ۱۳۴۰ به ۰/۴۵/۸ در سال ۶۵ کاهش یافته است. در همین راستا در سال ۱۳۴۰ که ۹۶ درصد جمعیت فعال کشور را شاغلین تشکیل میدادند، در سال ۶۴ میزان شاغلین به ۸۰ درصد رسیده است؛ یعنی در این سال

اقتصاد کشور حدود ۲۰ درصد بیکاری را پذیرا گردیده است. (جدول شماره ۳)

توزیع جمعیت شاغل کشور در طی این دوره به ضربربخش کشاورزی بوده است، چرا که با رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران و شکل‌گیری صنایع مونتاژ در کشور، کشاورزی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و درصد جمعیت شاغل آن روندی کاهنده را طی کرده است؛ بطوریکه از ۴۶ درصد در سال ۴۵ به ۳۳/۱ درصد در سال ۶۳ کاهش یافته است. در مقابل جمعیت شاغل در بخش صنعت وابسته و مونتاژ از ۲۹/۷ درصد در سال ۴۵ به ۳۱/۴ درصد در سال ۶۳ افزایش یافته است. در کنار این دو بخش، بخش خدمات بیشترین رشد را طی نموده و از ۲۷/۵ درصد در سال ۴۵ به ۳۵/۸ درصد در سال ۶۳ رسیده است.<sup>۱۷</sup> با تشدید مهاجرت از روستا و عدم امکان جذب آنان در بخشهای مختلف صنعتی در شهر، روی‌آوری آنان به مشاغل کاذب و غیر مولد افزایش یافته و امکان جذبشان در بخش خدمات، سریعتر گردیده است و در نتیجه هر روز بر تعداد شاغلین این بخش افزوده گشته که موجب تسلط آن بردیگر بخشهای اقتصادی شده است.

#### ۱۱- روند شاخص قیمت‌ها

در بررسی چگونگی سیر قیمت‌ها در ایران شاهد افزایش چشمگیر آن بعد از سالهای ۱۳۵۰ هستیم به عبارتی اقتصاد ایران بتدریج از یک اقتصاد با رشد خفیف قیمت‌ها به اقتصادی با رشد سریع قیمت‌ها می‌رسد. از اواخر برنامه چهارم (۱۳۵۰) با افزایش درآمد نفت، بویژه از سال ۵۳ این روند تشدید شده و به بالاترین حد خود در سال ۱۳۵۶ می‌رسد و پس از انقلاب نیز با وجود تحریم اقتصادی، جنگ تحمیلی و تراکم عظیم سرمایه در بخش خدمات سیر افزایش قیمت‌ها تشدید شده است. طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۲ میانگین قیمت‌ها از ۶۲/۵ در سال ۱۳۴۵ به ۸۵/۵ در سال ۵۲ و ۱۰۰ در ۱۳۵۳ می‌رسد<sup>۱۸</sup> و سپس با سرعت به ۱۳۶/۹ در ۱۳۵۶ بالغ گشته است؛ پس از انقلاب بر سرعت افزایش بهای عمده فروشی کالاها اضافه شده و به ۳۵۸ در ۱۳۶۲ میرسد. بیشترین رشد سالانه قیمت‌ها مربوط به سال ۵۹ بوده که به ۳۰/۵ درصد رسیده است (از ۱۷۹/۶ در سال ۵۸ به ۲۳۴/۳ در ۵۹)، از سال ۵۹ ابتدا به سرعت و سپس آرام از رشد سالانه قیمت‌ها کاسته شده بطوریکه از ۳۰/۵ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۱۹/۴ درصد در ۶۰ و ۱۳/۷ درصد در ۶۱ و ۱۲/۵ درصد در ۶۲ رسیده است. رشد سالانه شاخص قیمت‌ها در دوره بعد از انقلاب در مقایسه با قبل از آن بیشتر می‌باشد مگر در سالهای ۶۱ و ۶۲. (جدول شماره ۲)

با توجه به ماهیت افزایش قیمت‌ها، اگر کالاها را با در نظر گرفتن منشأ آنها و نوع مصرفشان به کالاهای تولید و مصرف شده در داخل کشور، کالاهای وارداتی و کالاهای صادراتی تقسیم کنیم، بیشترین افزایش قیمت عمده فروشی کالاها مربوط به کالاهای تولید و مصرف شده در داخل و کمترین به کالاهای وارداتی اختصاص داشته است. این امر بالا بودن نرخ تورم در کشور را در مقایسه با تورم وارداتی نشان میدهد (جدول شماره ۲).

در دوره مورد بررسی بیشترین افزایش قیمت عمده فروشی کالاها مربوط به خوراک بوده (با ۶ برابر افزایش از ۷۴/۵ در سال ۵۱ به ۴۶۱ در سال ۶۲) و پس از آن مواد معدنی (با ۵/۶ برابر افزایش از ۶۶/۹ سال ۵۱ به ۳۷۷/۶ در سال ۶۲)، سپس منسوجات و پوشاک مواد خام صنعتی و... قرار داشته است؛<sup>۱۹</sup> و چون هر چه درآمد خانوار کمتر باشد، هزینه‌های خوراک در کل مصرف خانواده بیشتر می‌شود، افزایش قیمت اینگونه کالاها، کم درآمد‌ها را بیشتر تحت تأثیر و تحت فشار قرار میدهد.

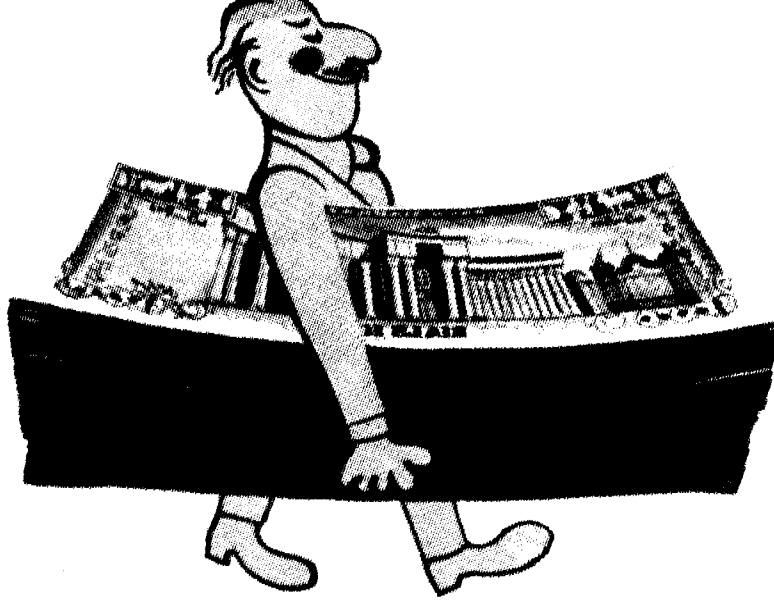
#### ۱۲- شرکتهای تعاونی

تعداد شرکتهای تعاونی روستایی در طی سالهای (۱۳۵۰-۱۳۵۶) قبل از انقلاب روند نزولی را طی کرده و از ۸۴۵۰ شرکت در سال ۱۳۵۰ به ۲۸۸۶ شرکت در سال ۱۳۵۵ رسیده است. سرمایه اینگونه شرکتهای همواره سیر صعودی را پیموده و از ۲۷۶۹ میلیون ریال در سال ۱۳۵۰ به ۹۳۵۳ میلیون ریال در سال ۱۳۵۷ و ۲۵۹۰۰ میلیون ریال در سال ۶۳ بالغ گشته است. (جدول شماره ۲)

فعالیت اینگونه شرکتهای حول و حوش توزیع کود شیمیایی، خرید محصولات روستائیان، پرداخت وام به آنها و... می‌باشد.

در دوره بعد از انقلاب انتظار می‌رفت تعاونیهای روستایی توجه بیشتری به مشکلات و نیاز روستائیان - از جمله مقابله با افزایش قیمت غیر ضروری کالاها و جلوگیری از واسطه‌بازی و دست‌چرخانی بیجای محصولات در جهت حمایت از کشاورزان کم درآمد - داشته باشد ولی متأسفانه شاهد عملکردی غیر از این بوده‌ایم. امید می‌رود که با توجه به نقش حساس کشاورزی و روستا برای دستیابی به رشد اقتصادی مناسب و مطلوب، تغییراتی در عملکرد اینگونه شرکتهای مشاهده شود.

تعداد شرکتهای تعاونی شهری غیر کارگری و کارگری (جدول شماره ۲) در طی زمان مورد بحث (۱۳۵۰-۶۴) رو به افزایش بوده است (البته در دوره



بعد از انقلاب رشد آن شدیدتر می‌باشد. تعداد اینگونه شرکتها از ۱۲۰۵ شرکت با سرمایه ۱/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ به ۳۰۱۲ شرکت با سرمایه ۶/۷ میلیارد ریال در سال ۵۷ و ۱۳۰۸۶ شرکت با سرمایه ۸۵/۴ میلیارد ریال در سال ۶۳ بالغ گشته است.

شرکتهای تعاونی غیر کارگری در مقایسه با تعاونی کارگری هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ اعضا رشد بیشتری داشته است. اعضا تعاونیهای غیر شهری از ۱۹۳ هزار نفر به ۴۳۶۲ هزار نفر بالغ گشته است؛ در حالیکه در تعاونیهای شهری این رقم از ۲۱۳ هزار نفر فقط به ۷۱۵ هزار نفر رسیده است که خود تأثیر فراوانی در سرمایه اینگونه شرکتها می‌گذارد.<sup>۲۰</sup>

در بین شرکتهای تعاونی کارگری، تعاونیهای مصرف علاوه بر اینکه در هر سال هم از لحاظ تعداد و هم اعضا و سرمایه بیشتری سهم را داشته‌اند، در عین حال رشد بیشتری نیز در طی زمان بخود اختصاص داده‌اند. پس از آن شرکتهای تعاونی مسکن نیز بیشترین رشد را دارا بوده‌اند. شرکتهای تعاونی تولید در طی دوره مورد بررسی از رشد محدودی برخوردار بوده و فقط شرکتهای تعاونی اعتبارات است که از تعداد آنها کاسته شده و سرمایه‌شان نیز تغییر چندانی نکرده و افزایش کمی را نیز نشان می‌دهد.

در بررسی شرکتهای تعاونی غیر کارگری نیز تعاونیهای مصرف بیشترین سهم و بیشترین رشد را داشته و تعاونیهای تهیه و توزیع نیز افزایش چشمگیری داشته‌اند و بعد از آن تعاونیهای مسکن و سپس تعاونیهای اعتبار شهری و صنایع دستی. البته توجه بیشتر جمهوری اسلامی بر تعاونیها و شکل‌گیری و وسعت بخشیدن به آن موجب گردیده که تعداد آنها و همچنین سرمایه‌شان در دوره بعد از انقلاب افزایش قابل توجهی داشته باشد.

### ۱۳- بهداشت و درمان

کشور ما همواره با کمبود پزشک و تختهای بیمارستانی مواجه بوده و تأثیر این کمبودها هر چه بیشتر در بین طبقات کم درآمد و ساکنین شهرهای کوچک و روستاها به چشم می‌خورد. پس از انقلاب اسلامی فعالیتهایی در جهت بهبود وضع بهداشت و درمان انجام گرفت که بوضوح در تخصیص بودجه عمرانی در زمینه بهداشت و درمان ملاحظه میشود؛ بطوریکه این مقدار از ۶۰۶۵ میلیون ریال در سال ۱۳۵۵ به ۳۵۰۶۰ میلیون ریال در سال ۶۳ افزایش یافته است. از لحاظ تعداد پزشک و متخصصین این امر در فاصله سالهای ۶۳-۱۳۵۵ افزایش مشاهده می‌شود و از کل ۱۳۰۰ نفر پزشک و دندانپزشک در سال ۱۳۵۵ به ۱۸۲۰۰ نفر در سال ۶۱ رسیده است

که در مدت ۶ سال حدود ۲۹۰۰ نفر افزایش یافته و در مورد تخت بیمارستان نیز از ۹/۹ هزار تخت در سال ۵۵ به ۵۹/۵ هزار تخت در سال ۶۱ بالغ گشته است. (جدول شماره ۲)

عدم توزیع عادلانه همین مقدار امکانات از جمله مسائلی است که نباید نادیده انگاشته شود. در دوره قبل از انقلاب نیمی از پزشکان در استان مرکزی و تهران مشغول بکار بوده‌اند و مابقی در دیگر نقاط کشور، در ضمن هر چه به سمت استانهای کوچکتر و محرومتر می‌رویم، شاهد امکانات کمتر برای آنها هستیم. بعد از انقلاب برای بهبود وضعیت زندگی مناطق محروم کشور، اجبار گذراندن طرح برای فارغ التحصیلان رشته‌های پزشکی و وابسته، اجرا گردید که خود تعدیلی در توزیع متخصصین (البته تا حدودی) در مناطق مختلف صورت گرفت، ولی با وجود شرایط مذکور، هنوز هم <sup>۲۱</sup> از کل شاغلین رشته‌های پزشکی در تهران و بقیه در دیگر استانها مشغول بکارند.

### ۱۴- عمران و نوسازی روستاها

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده میشود، همواره پرداختهای عمرانی دولت از محل سرمایه‌گذاری ثابت مربوط به امور عمران شهرها بیش از مبالغ اختصاص یافته عمران روستایی می‌باشد، در دوره قبل از انقلاب همواره مبلغ اختصاص یافته به مناطق شهری در حال افزایش و بالعکس در مورد روستاها در حال کاهش بوده است. تخصیص اعتبارات برای عمران شهرها از ۸۸۷۳ میلیون ریال در سال ۱۳۵۳ به ۲۴۴۲۲ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ رسید، در حالیکه همین مقدار برای عمران و نوسازی روستاها از ۵۷۸۷ میلیون ریال به ۵۹۶ میلیون ریال در سال ۱۳۵۷ کاهش یافته است.<sup>۲۲</sup>

البته در دوره بعد از انقلاب این مسئله کاملاً حالت عکس بخود گرفت؛ بطوریکه اعتبارات برای عمران شهرها به ۸۸۴۳ میلیون ریال تنزل پیدا کرد و در مقابل برای عمران روستاها مبلغ اعتبارات اختصاص یافته به ۹۹۷ میلیون ریال بالغ گشت، که نمایانگر توجه بیشتر به مسائل روستا می‌باشد.

### زیرنویس

- ۱ و ۲- بررسی تحولات اقتصادی کشور- بانک مرکزی (ص ۴۰۷-۴۴۳)
- ۳- گزارش شماره ۱- تحولات مثبت در شهر و روستا (سرشماری سال ۱۳۶۵) انتشارات واحد آمار و برنامه‌ریزی جهادسازندگی
- ۴- سالنامه آماری- مرکز آمار ایران
- ۵- در سال تحصیلی ۶۷-۶۶ در دوره کارشناسی ۲۱۳ هزار نفر و کارشناسی ارشد ۶۵ هزار نفر و در دوره‌های دکترای حرفه‌ای و تخصصی ۲۱ هزار نفر دانشجوی گزینش شده است (روزنامه جمهوری اسلامی- ۶۶/۱۰/۷- نخست‌وزیر)
- ۶- بررسی تحولات اقتصادی کشور- بانک مرکزی (ص- ۵۲۳)
- ۷- سالنامه آماری سالهای مختلف- مرکز آمار ایران (۲۲- ۲۱- ۲۰- ۱۵- ۱۳- ۱۲- ۱۱- ۱۰- ۸)
- ۸- سالنامه آماری کشور- مرکز آمار ایران.
- ۹- ۱۶- مجموعه اطلاعات شاخصهای اقتصادی- وزارت برنامه و بودجه
- ۱۴- ترازنامه بانک مرکزی ایران
- ۱۷- دفتر جمعیت و نیروی انسانی- وزارت برنامه و بودجه
- ۱۸- ۱۹- بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب- بانک مرکزی ایران.